

روایت بردن یکی از کتاب‌های «جام جم» به اندرزگاه مرکزی شهر خوی

دوربرگردان در زندان



خنده بیاورم روی لب‌ها. از سری‌ها قبل یاد گرفته‌ام که مزاج مددجویان محترم با کف و سوت و هورا سازگارتر است و لذا می‌خواهم که همان اول کار به افتخار زنده و مرده مادرشان یک کف مرتب بزنند. کف دوم و سوم را به سلامتی بغل دستی‌ها و خانم‌های چشم انتظار مددجویان محترم در بند طلب می‌کنم که رستار و بلندتر و ممتدتر است.

می‌گویم: «تحمّل زندان، امروز روز، سخت‌تر از ده بیست سال پیش است. چرا؟ چون قبلاً مردم معتاد گوشی و شبکه‌های اجتماعی نبودند و زندان فقط دوری از کوچه و خیابان و خانه بود اما الان که عامه مردم گرفتار فجایزی‌اند، صبر بر نداشتن و نکاویدن گوشی همراه، زجر علی حده است» و انگار که جانانی بودم که سخن از زبان ایشان می‌گفتم؛ کف چهارم را غراتر ختم کردند.

تیرم به هدف نشسته بود و همان یک زخم که از ایشان شکافته بودم، کار خودش را کرد و خمیازه‌ها به توجّه بدل شد که ببینند این آدم یک لقبایی که معلوم نیست از کجا پیدایش شده و می‌گوید: «خدا اگر بهتر از کتاب داشت، آن را ظرف برای معجزه همیشگی بهترین پیغمبرش می‌کرد» چه می‌گوید.

بنا داشتیم کتاب دوربرگردان سیدزهریر مجاهد را معرفی کنیم. کتاب «روایت سرباری است که سرباز شده است» پسری که پدرش شهردار مزارشریف افغانستان بوده و چشم به دنیایی باز کرده که حمله شوروی‌ها، آنها را از مکتب و مقام و رفاه کنده و پرت کرده در اردوگاه مهاجران غیرقانونی افغانی در فلکه دوم گلشهر مشهد، پسری که حسرت درس خواندن داشته و روزگار به مرادش نچرخیده و هیچ‌گاه نتوانسته در مدرسه کاشانی که سر محله‌شان بوده درس بخواند ولات شده و فنون اراذلی را تا آنجا جلو رفته که برای خودش لقب و عنوان و نوچه و دسته و دم و دستگاه به هم زده و اسمش لوزه به اندام لات و لوت‌های باقی شهرها و محله‌ها انداخته و از «سلیمان» گنده لاتنی ساخته که نگو و نپرس.

وهی وسط حرف‌ها اشاره می‌کردم به عکس روی بئر پشت سرم که عکس سلیمان بود که دست انداخته دور گردن حاج قاسم و مددجویان محترم می‌هر دفعه انگشت حسرت به دهان که آدمی به این سابقه درخشان را چه به سلفی گرفتن با سردار؟ و جابه‌جا اشاره به دعا و توصیه مادرش می‌کردم که هی در گوش سلیمان می‌خواند که «پسرم هر کاری هم که کردی، نگذار نماز به گردنت بماند...».

و جمع کردم صحبت‌م را با این فراز که بزرگ‌ترین فرصت در زندگی سلیمان آنجا خودش را نشان که داد که خدا یک دوربرگردان جلوی اتوبانی که او را با سرعت ۱۶۰ سمت قهقرا می‌برد، سبز کرد و دعای مادر و نمازها کمک کردند تا لات محله کاشانی، معکوس بکشد و از دوربرگردان دور بزند و به این ترتیب، معرفی یکی از خوش‌خوان‌ترین کتاب‌های دوره مدیریت مهدی قزلی بر انتشارات جام جم را درز گرفتیم.

بنا داشتیم کتاب

دوربرگردان

سیدزهریر مجاهد

را معرفی کنم.

کتاب «روایت

سرباری است

که سرباز شده

است» پسری که

پدرش شهردار

مزارشریف

افغانستان بوده

و چشم به دنیایی

باز کرده که حمله

شوروی‌ها، آنها

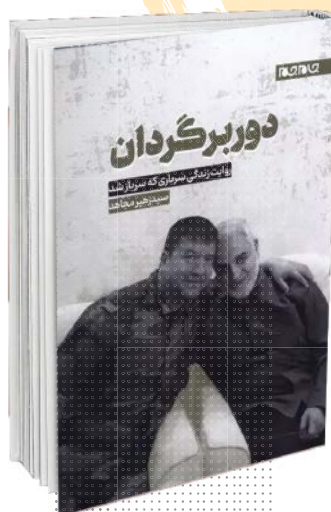
را از مکتب و

مقام و رفاه کنده

و پرت کرده در

اردوگاه مهاجران

غیرقانونی



حسین شرفخانلو

نویسنده



امسال بار چهارمی بود که یایم به زندان باز می‌شد. یک بارش را با حضرت والی که در اولین روزهای امارت‌شان کج کردند سمت هلفدونی و ما در التزام رکاب‌شان بودیم و سه بار بعد از آن تاریخ، در خدمت دوستان اهل کتاب برای معرفی کتاب برای «مددجویان محترم».

مددجویان محترم عنوانی است که رئیس و روحانی زندان، وقتی می‌خواهند مجلس را آماده و گرم کنند و تحویلیم دهند، زندانیان در بند را با آن می‌خوانند تا از زهر ماجرا کاسته شود و فضا بکشند و صد البته که زندان، گور زندگان است به قول یوسف نبی ﷺ و مگر با این صنعت‌ها تلخی و سردی از در و دیوار اندرزگاه می‌رود؟

دیوارهای زندان، از در که داخل می‌شوی سردند. چه در زمستان سوزناک باشی چه در طراوت اردیبهشت. غرض این که حوالی عید سال نوی مسیحی در اول ژانویه هم هست و از سری‌های پیشین که دم‌خور اهل بند بوده‌ام، می‌دانم زندانی مسیحی هم در جمع داریم و حواسم هست دوزندانی غیر هم‌کیش را به تیریک بنوازم و اصولاً ورود چیزی غیر از کتاب، همراه مان ممنوع است. چه برسد به این که بخوای مثلاً کاج و ریسه و هدیه بیاوری برای آن جوانک ارمنی اهل ارومیه که گرفتار زندان خوی شده یا آن سیاه آفریقایی اهل گینه که به خاطر برداشتن کلاه چند نفر از همشهری‌های ما سر از دوسداق خانه مرکزی خوی درآورده و در این مدت، ترکی و فارسی را عین بلبل بلد شده و خدا خواهی بود وقتی هنوز بیرون بود زبان مان را نمی‌دانست که اگر می‌دانست لابد کلاه نصف اهل خوی را برمی‌داشت.

به مناسبت سالگرد شهادت حاج قاسم که عدل افتاده روی روز مادر، برنامه را دو و جهی چیده‌ایم برای زندانیان محترم. یک نمایش خیابانی که زحمت اجرایش را حمیدرضا حاجی‌رستم‌لو خواهد کشید و بعدش من دقایقی راجع به کتابی با موضوع محور مقاومت که قضا را ربط مستقیم دارد به فضای جرم و الواطی، حرف خواهیم زد. مخاطب امروزان هم زندانیان جرایم مالی، اقتصادی‌اند و یک سر و گردن با آن مددجویان محترمی که در دو نوبت قبل دیده‌ایم توفیر دارند.

حمید با حاج آقای زندان هماهنگ است که حرف حاجی تمام شده و نشده، بیاید وسط معرکه و نمایش را اجرا کند. برای ارتباط‌گیری بیشتر، جدا از ما مهمان‌ها رفته نشسته دم در حسینیه قاطی زندانی‌ها. موضوع تئاترش درد و دل یک معناد متجهر از همه جا رانده است که بالاخره توانسته پول تاکسی و خریدن یک شاخه گل را جور کند و بیاید سر قبر مادرش. حالا نوبت من است که منبر را تحویل بگیرم و جای اشک،

«امام علی علیه السلام» مردی فراتر از

زمان و مکان» منتشر شد

همزمان با ولادت امیرالمؤمنین ﷺ کتاب «امام علی علیه السلام» مردی فراتر از زمان و مکان» اثر حجت الاسلام محمدباقر شریعتی سبزواری در ۲۲۴ صفحه به همت مؤسسه بوستان کتاب منتشر شد. در این اثر تلاش شده از متفکران باانصاف مسیحی، یهودی، مادی و بی‌مسکلمان آزاده و ظلم‌ستیز و عدالت‌خواه درباره امام علی و دیگر معصومان، مطالبی بازگو شود که مقبولیت عمومی و جهانی داشته و حتی المقدور از منابع معتبر اهل سنت و غیراسلامی گرفته شده باشد.

این اثر در ۱۷ بخش تألیف شده است؛ در ابتدای این اثر، به میلاد علی علیه السلام به عنوان مولود کعبه پرداخته شده و حسب و نسب آن حضرت بررسی شده است. سپس، ولادت امام علی علیه السلام در کعبه از نظر مورخان و علمای بزرگ اهل سنت و مسیحیت مورد اشاره قرار گرفته و در این راستا مباحثی همچون انعکاس میلاد علی علیه السلام در متون ادبی، کیفیت ورود مادر علی علیه السلام به درون خانه کعبه، امتیازات و افتخارات و... بیان شده است.

در ادامه، فضایل امام علی علیه السلام در نگاه پیغمبر در منابع اهل سنت تشریح شده و در این میان به حدیث نور، حدیث «طبر مشوی»، امام علی علیه السلام میزان ایمان و نفاق، فضایل علی از زبان پیغمبر ﷺ، باز بودن در خانه علی به مسجد، امام علی علیه السلام و رد شمس، امام علی علیه السلام و ابلاغ سوره براءت، امام علی علیه السلام اولین مسلمان و مؤمن و اولین نمازگزار با پیامبر ﷺ و حدیث تشبیه به روایت حاکم نیشابوری پرداخته شده است.



نویسنده به «امام علی علیه السلام» در نگاه خلفای صدر اسلام» و سخنان ابوبکر بن ابی قحافه می‌پردازد و در ادامه به سرنوشت خلافت بعد از ابوبکر اشاره می‌کند و در این راستا به سخنان عمر بن خطاب، عهده‌ی که خدا درباره علی گرفت و سخنان عثمان بن عفان اشاره شده است.

«مسأله خلافت در نگاه خلیفه دوم» از دیگر مباحث این اثر است؛ سپس، به علی علیه السلام در نگاه همسران پیغمبر پرداخته شده و در این راستا فضایل آن حضرت از زبان عایشه و علی علیه السلام در نگاه ام سلمه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

سپس، فضایل امام علی علیه السلام از نظر امامان مذاهب چهارگانه اهل سنت (مالک بن انس، ابن صباغ مالکی اندیشه و مالکی مذهب)، امام احمد بن حنبل) تشریح شده است.

همچنین، امام علی علیه السلام در قرآن از نظر اهل سنت» مورد تبیین واقع شده و نظر امام حنفی‌ها و محمد بن ادربیس (پیشوای مذهب شافعی) آمده است.